

معناکاوی طلاق از نظر زنان مطلقه شهر سبزوار

شفیعه قدرتی^{*}، شهلا باقری^{**}، مریم مصطفوی^{***}، مهدی عسگری^{****}

چکیده

هدف پژوهش حاضر معناکاوی طلاق از نگاه زنان مطلقه شهر سبزوار است. این پژوهش به روش کیفی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۱۵ زن مطلقه در شهر سبزوار به دست آمده است. نتیجه پژوهش دستیابی به ده مقوله اصلی است؛ مقوله محوری که تمام مقولات را پوشش می‌دهد، «امتناع از تعامل» است.

مقولات علی عبارت‌اند از «مشکل روانی مرد، استفاده نادرست از تکنولوژی، برآورده‌نشدن انتظارات زن به دست شوهر و تفاوت ارزشی همسران»؛ و مقولاتی که شرایط میانجی را تشکیل می‌دهند «دخالت والدین، بی‌اعتمادی به زن، مشکلات اقتصادی، بی‌مسئولیتی شوهر و اختلالات روانی او» در نظر گرفته شدند. پیامدهای طلاق نیز در سه سطح خرد، میانه و کلان بررسی شد. نکته مهم در باب پیامدهای طلاق آن است که از نظر زنان تحت مطالعه، تجربه طلاق در سطح خرد و میانه پیامدهایی مثبت و منفی دارد، درحالی که پیامدهای سطح کلان صرفاً منفی است.

کلیدواژه‌ها: امتناع از تعامل، پیامدهای طلاق، شرایط علی، زنان، معناکاوی.

s.ghodrati@hsu.ac.ir

sbagheri@khu.ac.ir

maryammostafav770@gmail.com

maskari32@gmail.com

* استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

** دانشیار دانشگاه خوارزمی تهران

*** کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه خوارزمی

**** کارشناس ارشد مردم‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش سبزوار

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۵

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۷-۱۱۵

مقدمه

بهداشت روانی نسل‌های جامعه در گرو تأمین بهداشت روانی خانواده به منزله کانونی مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعدادهاست که هرگونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان‌های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت (مشکی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به نقش مهم خانواده در جامعه، از هم‌پاشیده شدن نهاد خانواده آثار نامطلوبی در جامعه برجای می‌گذارد. اندیشمندان به این دلیل خانواده را نهاد اجتماعی می‌شناسند که عمیق‌ترین، اساسی‌ترین و گسترده‌ترین نیازهای انسان در چارچوب آن برآورده می‌شود.

اما خانواده طی قرن اخیر در بسیاری از جوامع با تفاوت‌های زمانی اندک تغییرات ساختاری و کارکردی و معنایی گسترده و ژرفی را تجربه کرده است. تغییر و تحولات خانواده در جوامع در حال توسعه اغلب ناشی از عوامل و عناصر تحول‌زای متفاوتی بوده که در بسیاری از موارد به نوسازی موسوم است (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۴).

جامعه ایران نیز به منزله جامعه‌ای در حال گذار تغییراتی اساسی را در حیطه همه نهادها از جمله نهاد خانواده تجربه می‌کند. تحت تأثیر فرایندهای جدید تکنیکی و ارزشی، انسجام خانواده‌ها با مسائلی مواجه شده است که در گذشته مشابه آن در سطح گسترده سابقه نداشته است. طلاق پدیده‌ای است که اگر گسترش یابد می‌تواند به فروپاشی نظام اجتماعی منتهی شود. با اینکه طلاق در گذشته‌های دور سابقه دارد، فقط از قرن بیستم است که در جایگاه آسیب و مسئله اجتماعی جدی مطرح می‌شود (والچاک، ۱۳۶۶: ۱۲-۱۳).

شهر سبزوار نیز از جمله شهرهایی است که در سال‌های اخیر با افزایش طلاق مواجه شده است. جدول ۱ فراوانی ازدواج و طلاق در شهرستان سبزوار و نسبت طلاق به ازدواج را در کل کشور و شهرستان سبزوار در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. این مقایسه روشن می‌کند که نسبت طلاق به ازدواج در سبزوار و کل کشور رو به افزایش است و همواره این نسبت در سبزوار بیش از کل کشور است. به عبارت دیگر، به ازای هر یک‌صد ازدواج در طی سال، در سبزوار تعداد طلاق‌های بیشتری ثبت می‌شود.

جدول ۱. نسبت طلاق به ازدواج در شهرستان سبزوار و کل کشور، ۹۳-۱۳۹۰

سال	ازدواج	طلاق	* نسبت طلاق به ازدواج در شهرستان سبزوار	** نسبت طلاق به ازدواج در کشور
۱۳۹۰	۵۴۶۹	۹۵۸	۱۷/۵	۱۶/۳
۱۳۹۱	۴۷۹۶	۱۰۲۷	۲۱/۴	۱۸/۱
۱۳۹۲	۴۷۶۶	۱۰۶۴	۲۲/۳	۲۰/۱
۱۳۹۳	۴۳۰۳	۱۱۱۱	۲۵/۸	۲۲/۶

* (سالنامه آمارهای جمعیتی ثبت احوال خراسان رضوی، ۱۳۹۴)

** (سالنامه آمارهای جمعیتی ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴)

سبزوار یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که در مسیر جاده تهران-مشهد با فاصله ۶۷۰ کیلومتر تا تهران و ۲۴۰ کیلومتر تا مشهد واقع شده است. از نظر جمعیت، پس از شهر مشهد، دومین شهر استان محسوب می‌شود. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت شهر سبزوار ۲۳۱۵۵۷ نفر بوده است.

انتخاب شهر سبزوار به منزله میدان مطالعه، به دلیل آشنابودن محقق با بستر اجتماعی و فرهنگی این شهر است. همچنین، سبزوار شهری سنتی و مذهبی است، اما برطبق آمار و ارقام، میزان طلاق در این شهر افزایش پیدا کرده است.

امروزه طلاق به مسئله اجتماعی تبدیل شده است و توجه بسیاری از اندیشمندان در هر زمینه‌ای را به خود جلب کرده است. با اینکه طلاق در جامعه ایران امری قبیح، مذموم و منفور در بعد اعتقادی و دینی است، شاهد هستیم که در ایران و در جامعه دین‌مداران، یعنی استان خراسان رضوی، همچنان پدیده طلاق رو به افزایش است و نگرانی‌های زیادی ایجاد کرده است (حسنی، ۱۳۹۲: ۴).

اهمیت موضوع از این رو است که زن‌ها پس از طلاق، بیش از مردان احساس شکست می‌کنند و این موضوع آسیب‌پذیری بیشتر زنان را نسبت به مردان در جامعه نشان می‌دهد. اضطراب، احساس دل‌تنگی، غمگین‌بودن، احساس خستگی و عصبانی‌بودن بین زنان بیشتر از مردان است (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۶).

از طرفی، بیشتر تحقیقات انجام‌شده در زمینه طلاق به آثار منفی طلاق اشاره کرده‌اند؛ پژوهش حاضر از این رو اهمیت پیدا می‌کند که فارغ از بررسی آثار صرفاً منفی طلاق، به بررسی وضعیت موجود (که ابعاد منفی و مثبت را در برمی‌گیرد) از دید خود کنشگران می‌پردازد. روش‌های کیفی با مطالعه درباره امور فرهنگی سنخیت بیشتری دارد (شیخی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۶). اگر چه برخی علل طلاق آشکار هستند و همسران این علت‌ها را در دادخواست خود بیان می‌کنند، برخی علل طلاق در دادخواست بیان نمی‌شوند. پژوهش کیفی درصدد نگرستن به جهان اجتماعی هر پدیده از دیدگاه‌های مردم تحت مطالعه است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۲۴) تا با نزدیک‌شدن به آنها، به فهم و درک آنها بپردازد؛ از این رو، پژوهش حاضر از این جهت اهمیت می‌یابد و بدین ترتیب مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که زنان مطلقه چگونه تجربه طلاق را معناسازی می‌کنند و چه دلایلی برای انتخاب آن و ترک زندگی زناشویی دارند. هدف کلی معناکاوی طلاق در میان زنان مطلقه شهر سبزوار است و اهداف جزئی شامل موارد می‌باشند:

- بررسی و شناخت شرایط علی تجربه طلاق نزد زنان؛
- بررسی و شناخت شرایط میانجی تجربه طلاق نزد زنان.

- شناخت واکنش زنان مطلقه به موفقیت‌های سازنده تجربه طلاق و استراتژی‌هایی که در پیش می‌گیرند (کنش و کنش متقابل)؛
- شناسایی پیامدهایی که پیگیری این استراتژی‌ها برای زنان مطلقه دارد.

مرور ادبیات پیشین

در این قسمت، ابتدا به‌طور خلاصه تحقیقات مربوط به طلاق مرور می‌شود و سپس، نظریات مطرح‌شده در باب طلاق ذکر خواهد شد.

ریحانی و عجم (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای به علل طلاق در شهر گناباد پرداختند. نتایج نشان داد ۷۳ درصد طلاق‌ها با علل مذهبی و اخلاقی و ۲/۵ درصد با عامل اقتصادی مرتبط بوده است. به‌علاوه، محققان نشان می‌دهند که بین متغیرهای علل طلاق با سن مرد، سن زن، شغل مرد، تعداد فرزندان، تحصیلات مرد و تحصیلات زن رابطه معنی‌دار وجود دارد و میان متغیر طلاق با محل زندگی، نسبت فامیلی و سال ازدواج ارتباط معنی‌داری دیده نمی‌شود. پورخان (۱۳۹۰) در پژوهشی که درباره همسران متقاضی طلاق در کرمان انجام داده نشان می‌دهد که اکثر همسران متقاضی طلاق در هنگام ازدواج کم‌سن بوده‌اند و این ویژگی در زنان بیشتر دیده شده است. اغلب همسران دارای سطح سواد متوسط بوده‌اند و بیشتر خانواده‌ها با مسئله اعتیاد درگیر بوده‌اند.

شیخی و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی علل پنهانی پرداختند. آنها با استفاده از روش کیفی به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین جنبه از جنبه‌های مثبت طلاق شامل بازیابی استقلال، رهایی از قید حیات نامناسب و گسترش فردگرایی مثبت در جامعه است. به‌علاوه، محققان به این نکته اشاره کرده‌اند که جنبه مثبت طلاق به معنی رهایی وجود شری به نام ازدواج نامناسب است. صادقی فسایی و ایثاری در مطالعه خود به بررسی تحلیل جنیستی از زندگی پس‌از طلاق پرداختند. این مطالعه به روش کیفی انجام شده است و یافته‌های آن نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان پیامدهای متفاوتی را پس‌از طلاق تجربه می‌کنند و در مجموع، با معضلات مضاعفی در زندگی خود پس‌از طلاق روبه‌رو هستند (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱). زارعی و همکاران در تحقیق خود با عنوان «طلاق از دید زن مطلقه» به این نتیجه رسیدند که درک مفهوم طلاق برگرفته از باورهای جامعه است. به‌عبارتی، طلاق نه‌تنها مقوله‌ای اجتماعی-فرهنگی است، بلکه تعیین‌کننده اجتماعی مؤثر بر سلامت زنان نیز هست (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲). کاواس در رساله دکتری‌اش با عنوان «تجربه بعد از طلاق برای زنان دارای تحصیلات بالا و متخصص» به بررسی تجربیات ۳۱ زن مطلقه پرداخته است. این پژوهش در ترکیه انجام شده و با استفاده از روش کیفی و راهبرد نظریه مبنایی صورت گرفته است.

براساس یافته‌های ایشان، طلاق باعث مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌شود، اما از طرفی زندگی را بهبود می‌بخشد (کاواس، ۲۰۱۰: ۱۶۰).

نظریه مبادله

این نظریه از پرکاربردترین دیدگاه‌های نظری است که در تبیین طلاق به کار می‌رود. برطبق آن، هریک از همسران، ازدواج را در دو سطح تحلیل می‌کنند: در ابتدا، فواید و منافع آن را با دیگر ازدواج‌ها مقایسه می‌کنند. اگر نسبت به دیگر ازدواج‌ها احساس محرومیت کنند، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و انگیزه انتخاب گزینه طلاق تقویت می‌شود. با وجود این، بسیاری از همسران، علی‌رغم نارضایتی از زندگی زناشویی، به دلیل برخی محدودیت‌ها و موانع، آن را ترک نمی‌کنند. محدودیت‌ها و قیدوبندها به منزله هزینه‌های طلاق مفهوم‌سازی شده است. در سطح دوم مقایسه، همسران پاداش‌ها و هزینه‌هایی را که در گزینه‌های غیر از ازدواج وجود دارد، مانند طلاق یا مجرد، تحلیل می‌کنند (وایت و کلن، ۲۰۰۲: ۴۹-۵۰).

عادت‌واره بورديو

پیر بورديو، جامعه‌شناس معاصر فرانسوی، معتقد است که هر انسانی دارای عادت‌واره^۱ است. منظور از عادت‌واره، مجموعه طرح‌واره‌هایی است که انسان در طول زندگی خود براساس برخورد با محیط‌های مختلف، مانند خانواده، رسانه‌ها، نهاد آموزش و پرورش و گروه هم‌سالان کسب می‌کند. این طرح‌واره‌ها شامل چگونه غذا خوردن، چگونه پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوقیات و مشغولیات انسان هستند. اما، ضمن اینکه هر فردی عادت‌واره مخصوص به خود دارد، عناصری از عادت‌واره‌های تعدادی از افراد مشترک یا یکسان‌اند. در این حالت، به‌زعم بورديو، عادت‌واره طبقاتی وجود دارد؛ مانند عادت‌واره‌های ذوقی و انتخاب‌هایی که عاملان اجتماعی در عرصه متنوع رفتارها همچون، غذا خوردن و نوع آن، ورزش کردن و نوع آن، موسیقی‌نواختن و سیاست‌ورزیدن و غیره صورت می‌دهند. بنابراین، ما درمقابل عادت‌واره‌های طبقاتی قرار می‌گیریم که مشترکات و هماهنگی‌های زیادی با یکدیگر دارند (منادی، ۱۳۸۳). طبق نظر بورديو، اگر همسران از خانواده‌هایی با طبقات اجتماعی متفاوت باشند، عادت‌واره‌های متفاوتی نیز دارند که می‌تواند در ظهور اختلافات بین همسران اثرگذار باشد.

نظریه برچسب‌زنی

نظریه برچسب‌زنی در پاسخ به این سؤال که چرا برخی افراد «برچسب» کج‌روی در جامعه می‌خورند ارائه شده است. طبق این نظریه، کسانی که نماینده نیروهای نظم و قانون‌اند

¹ Habitus

می‌توانند تعاریف اخلاق را به دیگران تحمیل کنند و در نتیجه، منابع اصلی برجسب‌زنی را فراهم کنند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

از نظر بکر، کج‌رفتاری تعریفی است که جامعه آن را می‌سازد؛ یعنی گروه‌های اجتماعی با ساختن قوانینی که خدشه‌دار کردن آنها کج‌روی به حساب می‌آید، مفهوم کج‌روی را می‌سازد. بدین ترتیب، انحراف عملی نیست که واقع شده بلکه نتیجه اعمال آن قانون از جانب دیگران بر فردی است که آن را مرتکب شده است (شرافتی‌پور، ۱۳۸۴: ۵۰).

افراد دارای رفتار بهنجار چون منفعت خود را در رفتار بهنجار می‌بینند، طبق عرف جامعه عمل می‌کنند، در حالی که کافی است فردی به دلیل بی‌اطلاعی از قانون یا خرده‌فرهنگی خاص، خود عملی انجام دهد و انگ انحراف بخورد. برای برجسب‌خوردن کافی است که فرد یک‌بار جرمی را مرتکب شود. از آنجاکه او برجسب عدم رعایت قوانین را خورده است، انحرافات دیگر را به او نسبت می‌دهند و کم‌کم از جامعه دور می‌شود و به کج‌روی بیشتر می‌گراید (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

حال، این سؤال به وجود می‌آید که آیا طلاق برجسبی اجتماعی است که موجب منزوی‌شدن افراد می‌شود؟

روش تحقیق

طلاق پدیده‌ای پیچیده است و به دلیل حساسیت پاسخگویان و عدم تمایل آنها به پاسخ‌گویی به علت کوچک‌بودن شهر و ترس از شناخته‌شدن، بهترین روش برای مطالعه آن روش کیفی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان مطلقه شهر سبزوار تشکیل می‌دهند. این پژوهش با شیوه کیفی انجام شده است و نمونه‌ها با منطق نمونه‌گیری کیفی انتخاب شدند. نمونه‌گیری کیفی به گونه‌ای کلی شامل واحدهای کوچک در مطالعه عمقی است. برخی متون پژوهشی تعداد واحدهای نمونه را برای گروه‌های همگون ۶ تا ۸ واحد پیشنهاد می‌کنند (هومن، ۱۳۹۱: ۲-۹۱). حجم نمونه در این تحقیق ۱۵ نفر از زنان مطلقه و معیار محققان برای حجم نمونه، رسیدن به اشباع نظری بوده است. در انتخاب نمونه‌ها سعی بر آن بود تا متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، تحصیلات، و وضعیت اقتصادی تا حد امکان متکثر باشد. این نمونه‌گیری در طی چهار ماه و با شیوه نمونه‌گیری گلوله‌برفی انجام شد. استفاده از این روش به دلیل حساسیت موضوع بوده است. در نمونه‌گیری گلوله‌برفی پژوهشگر یک مشارکت‌کننده را از طریق شخص دیگری پیدا می‌کند. پژوهشگران هنگامی از نمونه‌برداری گلوله‌برفی استفاده می‌کنند که آگاهی‌دهندگان به راحتی دردسترس آنها نباشند یا ناشناس و گم‌نام‌بودن آنها مورد نظر باشد (همان: ۸۹). محدودشدن مطالعه به مشارکت‌کنندگان زن به این دلیل صورت گرفت که یکی از

عواملی که باعث کیفیت و اعتبار داده‌ها می‌شود نحوه برقراری تعامل با مشارکت‌کننده است. هم‌جنس‌بودن (زن‌بودن) محقق با مشارکت‌کنندگان تا حدود زیادی کیفیت داده‌ها را بالا می‌برد. یکی از متداول‌ترین شیوه‌های گردآوری داده‌ها در روش کیفی استفاده از تکنیک مصاحبه است و مصاحبه‌ها نیمه‌ساختاریافته‌اند؛ بدین معنی که محقق با در دست داشتن فهرستی از سؤالات به سراغ مشارکت‌کنندگان می‌رود. این مصاحبه‌ها جهت رعایت اخلاق پژوهش، با اجازه پاسخگویان ضبط می‌شد و زمان هر کدام حدوداً بین یک‌ونیم تا دو ساعت بود؛ ضمناً به جهت تعمیق، مصاحبه‌ها به صورت انفرادی انجام می‌گرفت. پس از اتمام مصاحبه‌ها، نوبت به پیاده‌سازی آنها می‌رسید و برای گسترش بیشتر مفاهیم در صورت نیاز به مشارکت‌کننده مراجعه می‌شد. منظور از «شرایط علی» حوادث، رویدادها و اتفاقاتی است که به وقوع یا توسعه پدیده‌ای منجر می‌شود. «پدیده» به معنای ایده، حادثه، رویداد و واقعه اصلی است که مجموعه‌ای از کنش‌ها یا واکنش‌ها برای اداره کردن آن هدایت می‌شوند یا مجموعه‌ای از کنش‌ها به آن مربوط می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از این مطالعه، در دو قسمت ارائه می‌شود: ابتدا، به توصیف داده‌ها و سپس به تحلیل آنها می‌پردازیم. در بخش توصیف داده‌ها، پاره‌ای از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان پاسخگو، از قبیل سن، میزان تحصیلات، شغل و تعداد فرزندان و مدت زمان زندگی مشترک آنها بیان می‌شود. در بخش تحلیل داده ابتدا، به بررسی متغیرهای علی و میانجی مربوط به پدیده طلاق و پیامدهای آن پرداخته می‌شود و در نهایت هم راهبردها و استراتژی‌هایی برای این پدیده (طلاق) گزارش می‌شود.

توصیف یافته‌ها

جدول ۲ ویژگی‌های عمومی نمونه را نشان می‌دهد. همان‌طور که ذکر شد، مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۱۵ زن در بازه سنی ۲۶-۴۴ هستند. تحصیلات این زنان بین مقطع ابتدایی تا کارشناسی‌ارشد متغیر است. مشاغل این زنان عمدتاً به دلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه از نوع مشاغل خدماتی است و تنها دو نفر شغل خود را کارمندی ذکر کرده‌اند. نه نفر از این زنان صاحب فرزند هستند. با توجه به کوچک‌بودن شهر محل تحقیق و عدم پراکندگی دلایل زنان در بازه طلاق، به اشباع نظری رسیدیم. در بین مشارکت‌کنندگان فقط دو نفر با اجبار شوهر از او جدا شده و بقیه متفق‌القول بیان کرده‌اند که اقدام به جدایی با اصرار خودشان بوده و در نهایت توافقی از همسرشان جدا شده‌اند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان	مدت زمان زندگی مشترک
۱	عذرا	۴۱	پنجم ابتدایی	آرایشگر	-	۵
۲	هاجر	۲۷	کارشناسی	بیکار	-	۲
۳	فهیمة	۳۶	کاردانی	حسابدار شرکت	۲	۵
۴	آرام	۲۶	دیپلم	دانشجوی کارشناسی	-	۲
۵	زهره	۴۴	کارشناسی ارشد	دبیر	۲	۱۰
۶	طهورا	۲۶	کارشناسی	بیکار	-	۴
۷	زهرا	۲۹	دیپلم	منشی	۱	۳
۸	اکرم	۴۳	کاردانی	منشی	۲	۸
۹	نسیم	۳۷	کارشناسی	دبیر	۲	۷
۱۰	فاطمه	۴۱	سیکل	مشاغل خانگی	۱	۱۰
۱۱	مانده	۳۲	دیپلم	فروشنده	۱	۶
۱۲	رؤیا	۳۸	دیپلم	مشاغل خانگی	۱	۸
۱۳	سارا	۳۱	کاردانی	آرایشگر	۱	۶
۱۴	میترا	۲۸	دیپلم	دانشجوی کارشناسی	-	۲
۱۵	سحر	۳۰	دیپلم	بیکار	-	۷

تحلیل داده‌ها

در این قسمت به بررسی داده‌های حاصل از گفت‌وگو با زنان مطلقه می‌پردازیم. سؤالات مطرح‌شده عبارت‌اند از:

- (۱) به چه دلیل یا دلایلی از همسر خود جدا شدید؟
- (۲) تعامل میان کنشگران: چه کسی چه عمل یا اعمالی را انجام داد؟
- (۳) استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها: زنان در مواجهه با پدیده طلاق اجتناب می‌کنند یا انطباق می‌پذیرند؟
- (۴) پیامدها: چه چیزی تغییر کرد؟ یا به‌عبارتی پیامدهای مثبت و منفی طلاق برای زنان چیست؟

هدی در این زمینه می‌گوید:

اول که آمده بودند خواستگاری، گفتند ماشین مال خودش است. بعد فهمیدیم دروغ گفته‌اند. یا مثلاً خانواده‌اش می‌دیدند مرتضی پول ندارد اما کمک نمی‌کردند و از خانواده من انتظار کمک داشتند.

فهیمة می‌گوید:

از اول اختلاف داشتیم. با خانواده من رفت‌وآمد نمی‌کرد، من دوست داشتم با شوهرم این طرف و آن طرف بروم، اما او نمی‌آمد. در واقع این خودش یک نوع طلاق است.

رؤیا نیز در این باره، می‌گوید:

برایم فرقی نمی‌کرد شوهر داشته باشم یا نه؛ چون او هیچ‌کاری برایم نمی‌کرد. او مسئولیتی تو زندگی‌اش نداشت. اظهارنظر زهره نیز مؤید این موضوع است: عصبی بود و از همان اول دیدم زود از کوره در می‌رود مشکل روانی داشت؛ مثلاً می‌رفت حمام می‌دید آبش سرد شده می‌آمد و بچه‌ام را می‌زد.

محورهای مستخرج از مصاحبه‌ها

۱) شرایط علی پدیده طلاق

در این قسمت به بررسی عواملی که باعث به وجود آمدن پدیده طلاق است می‌پردازیم:

۱-۱) برآورده نشدن انتظارات زن از شوهر

هر موقعیتی هنجارهایی دارد که صاحب آن موقعیت باید براساس آن عمل کند و افرادی که با او در کنش متقابل هستند از او انتظار دارند براساس هنجارهای آن موقعیت عمل کند. هرکدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی درباره اینکه همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد آغاز می‌کنند. اگر این انتظارات برآورده نشود، ناراضی و پشیمان خواهند شد. هر زنی با توقعات و خواسته‌هایی از شوهر وارد زندگی زناشویی می‌شود که بخشی از این خواسته‌ها وظایف نقشی شوهر درقبال خانواده و برخی دیگر توقعات زن است. اما مردانی که به حداقل وظایف خود عمل نمی‌کنند، درواقع، بین مطالبات زن از خود و مجموعه امکانات موجود شکافی به وجود می‌آورند که زن نمی‌تواند برای همیشه خود را با آن هماهنگ سازد و این امر در ابتدا ایجاد نارضایتی می‌کند و در صورت تداوم زمینه طلاق را فراهم می‌آورد.

۲-۱) تفاوت ارزشی همسران

بخشی از صحبت‌های پاسخگویان از این قرار است:

مائده از اختلاف عمیق با شوهرش می‌گوید:

او با خدا هیچ رابطه‌ای نداشت، حتی روزه می‌گرفتم می‌گفت این خرافات چیست. چرا مرا از خواب می‌اندازی.

عذرا نیز می‌گوید:

از نظر ظاهر به هم نمی‌خوردیم من به خودم می‌رسیدم ولی او نه.

آرام هم می‌گوید:

یک روز مشروب خورده بود و تظاهر می‌کرد مست شده و تو جمع حرکات

موزون می‌کرد و بقیه هم بهش می‌خندیدند.
هاجر و فهیمه و میترا نیز از «تفاوت در فرهنگ خانواده‌ها» سخن می‌گویند. سارا نیز می‌گوید:

دوست داشتم روزای تعطیلی مثل بقیه زن و شوهرها با هم برویم بیرون، اما او فقط برای دوستانش وقت می‌گذاشت.

تفاوت‌های ارزشی بدین معناست که زن و شوهر در ویژگی‌های رفتاری به‌گونه‌ای متفاوت عمل کنند و این مسئله برای یکی از طرفین یا هر دو طرف ناخوشایند است. عدم سنخیت در عادات و رفتارها در زندگی زناشویی، می‌تواند منشأ فرسایش سرمایه اجتماعی آنها و به تبع آن کاهش مراوداتشان باشد. از طرف دیگر، این عدم تشابه به‌مرور به بی‌علاقه‌شدن طرفین می‌انجامد و کم‌کم زن و شوهر را به طلاق سوق می‌دهد.

۳-۱) استفاده نادرست از تکنولوژی

زهره، یکی از مشارکت‌کنندگان، در این خصوص می‌گوید:

به بهانه استراحت می‌رفت تو اتاق و در را قفل می‌کرد و شروع می‌کرد به تلفنی حرف‌زدن. دو سه تا سیم‌کارت و گوشی موبایل داشت و من بعداً این را فهمیدم. اهل فیلم‌های غیراخلاقی بود. شب‌ها تا نصف شب می‌نشست پای تلویزیون و آن فیلم‌ها را می‌دید. روابط زناشویی خشن داشتیم. از من توقع داشت مثل فیلم‌های غیراخلاقی رفتار کنم. شب‌ها تا دیروقت بیدار بود و چت می‌کرد.

منظور از روابط فرازناشویی در این تحقیق ارتباط شوهر با زنان دیگر و نیز استفاده از وسائل ارتباط جمعی مانند تلفن همراه، اینترنت و ماهواره است. با توجه به پیشرفت تکنولوژی، وسائل ارتباط جمعی به درون خانواده نیز راه یافته است و در سطح کلان، بسیاری از معیارهای فرهنگی از طریق ماهواره و دیگر وسائل ارتباط جمعی مانند اینترنت به درون خانواده‌ها رخنه می‌کند و چه‌بسا ممکن است پیامدهای منفی نیز در نهاد خانواده برجای بگذارد و به تدریج باعث ضعیف‌شدن بنیاد خانواده و طلاق شود. لایس در این باره می‌گوید فرهنگ دوران مدرنیته فرهنگی بصری و نمایشی است (چاووشیان و آزاد ارمکی، ۱۳۸۱).

معناکاوی طلاق از نظر زنان مطلقه شهر سبزوار

جدول ۳. مقولات مربوط به شرایط علی

ردیف	مفهوم	مقوله
۱	دست بزن	مشکل روانی
۲	تماشای فیلمهای هرزه انگارانه	استفاده نادرست از تکنولوژی
۳	ارتباط با تلفن همراه	استفاده نادرست از تکنولوژی
۴	ارتباط با اینترنت (چت)	استفاده نادرست از تکنولوژی
۵	بی‌مسئولیتی شوهر	برآورده نشدن انتظارات زن از سوی شوهر
۶	اعتیاد	تفاوت ارزشی زوجین
۷	عدم تشابه عقیدتی	تفاوت ارزشی زوجین
۸	خوردن مشروب	تفاوت ارزشی زوجین
۹	تفاوت‌های فرهنگی خانواده	تفاوت ارزشی زوجین
۱۰	آراستگی ظاهری زن و شوهر	تفاوت ارزشی زوجین

۱-۴) مقوله هسته‌ای استخراج شده: امتناع از تعامل

بنابر شرایط علی که ذکر شد، زنان وقتی به این درک برسند که در حاشیه زندگی زناشویی قرار دارند و شوهرانشان به آنها توجه نمی‌کنند و حس کنند که صرفاً با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند، به مرور به این درک می‌رسند که زندگی‌ای خالی از تعامل دارند و این باعث می‌شود که زندگی آنها جای خود را به طلاق کلامی و سپس روحی و درنهایت عاطفی دهد و سرانجام به طلاق قانونی منجر می‌شود.

۲) شرایط میانجی پدیده طلاق

عوامل مداخله‌گر یا میانجی مجموعه‌ای از عوامل است که بستری را مهیا می‌کند که پدیده در آن اتفاق می‌افتد. این عوامل شامل فضا، زمان، فرهنگ، وضعیت اقتصادی، حرفه، تاریخ و نوع زندگی فردی هستند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

۲-۱) دخالت خانواده‌های زن و شوهر

فهیمة می‌گوید:

دفعه اول که می‌خواستم جدا بشوم، خانواده‌ها و بزرگ‌های فامیل به‌زور آشتی‌مان دادند. حالا بالاخره جدا شدم. فقط نتیجه‌اش این بود که بچه دومم را به دنیا بیآورم.

هاجر نیز می‌گوید:

ما با هم خوب بودیم؛ فقط به خاطر اینکه داداشم با خواهرشوهرم ازدواج کرده بودند و با هم اختلاف داشتند، مادرشوهر من هم نشست زیر پای شوهرم و مجبور شد مرا طلاق بدهد؛ می‌خواست انتقام بگیرد.

برخی مواقع دخالت خانواده‌ها چه زن و چه مرد در زندگی همسران تأثیر منفی دارد؛ به‌نحوی که روند ثابت و سالم زندگی آنها را دچار اختلال و بحران می‌کند و احتمال جدایی آنها را افزایش می‌دهد. تربیت فرزندان، حمایت‌های مالی و عاطفی بیش‌ازحد خانواده‌ها می‌تواند

روابط همسران را دچار بحران کند و در نهایت، سبب اختلافی شود که باعث به وجود آمدن پدیده طلاق می شود.

۲-۲) مشکلات اقتصادی

عذرا می گوید:

سرکار نمی رفت و تا لنگ ظهر می خوابید. من هم طلاهایم را فروختم و وام برداشتم تا بتوانم برایش ماشین بخرم تا با ماشین کار کند.
هاجر می گوید:

پول نداشت و خانواده اش هم به ما کمک نمی کردند. مرا برده بود زیرزمین تا باهاش زندگی کنم. یک روز باران آمد و همه وسائلم رفت زیر آب؛ کلافه شده بودم دیگر.

آرام نیز این گونه می گوید:

ورشکست شده بود و من هم از خانواده ام برایش پول قرض می گرفتم اما قدر نمی دانست.

فهیمه بیان می کند:

می دید زندگی مان به زور دارد می گذرد. آنقدر راحت طلب بود که نمی رفت دنبال شغل دوم.

مشکلات اقتصادی مانند بیکاری شوهر، ندادن خرجی و نرفتن به سرکار و تن پروری شوهر در بین همسرانی که منافع خانوادگی آنها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نیست می تواند زندگی زناشویی را بی ثبات کند.

۲-۳) ویژگی های رفتاری مرد

برخی ویژگی های رفتاری و روانی مرد مانند بداخلاقی و خیانت و بی اعتمادی باعث سست شدن نظام خانوادگی می شود. در این زمینه مشارکت کنندگان می گویند:

زنان، خیانت همسر و مورد ضرب و شتم قرار گرفتن را نمی توانند تحمل کنند.

شوهرم به من تهمت می زد و می گفت معشوق دارم.

او به من خیانت کرد. من خیانت را با چشمم دیدم و احساس کردم دارم سگته می کنم.

برایم موبایل نمی خرید.

جدول ۴ مقولات مربوط به عوامل میانجی را نشان می دهد.

معناکاوی طلاق از نظر زنان مطلقه شهر سبزوار

جدول ۴. مقولات مربوط به عوامل میانجی

ردیف	مفهوم	مقوله
۱	حمایت‌های مادر شوهر	دخالت والدین
۲	کنترل تلفن همراه زن از سوی شوهر	بی‌اعتمادی به زن
۳	دخالت خانواده‌ها	دخالت والدین
۵	بیکاری شوهر	مشکلات اقتصادی
۶	عدم اختیار زوجین برای طلاق	دخالت والدین
۷	تن‌پروری شوهر	بی‌مسئولیتی شوهر
۸	توقع کمک مالی از زن	بی‌مسئولیتی شوهر
۹	ندادن خرجی	مشکلات اقتصادی
۱۰	دست بزنی	اختلالات روانی شوهر
۱۱	خیانت به زن	اختلالات روانی شوهر
۱۲	تهمت‌زدن به زن	بی‌اعتمادی به زن

۳) راهبردها

راهبردها به مدیریت، اداره کردن، انتقال دادن یا پاسخ‌دادن به پدیده، تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده شده، از سوی کنشگران اطلاق می‌شود. هنگامی که زنان در موقعیت بد جسمی و عاطفی قرار می‌گیرند به کنش‌هایی دست می‌زنند تا بتوانند زندگی خود را از تزلزل نجات دهند و بدین‌منظور به اقداماتی از این قبیل می‌پردازند:

۳-۱) تغییر موقعیت به منظور بهبود وضعیت زندگی

با آنکه خیلی سختی کشیدم، اما سعی خودم را کردم که خوب شود و حتی خودم چند دفعه ترکش دادم. خانواده‌ام مخالف آشتی من با همسرم بودند، اما من دو بار به قصد سازش از خانه پدرم فرار کردم و به خانه خودم رفتم. من سعی خودم را کردم. اگر کمی شوهرم با من راه می‌آمد و مرا نمی‌زد و من می‌فهمیدم مرا دوست دارد، طلاق نمی‌گرفتم. سعی می‌کردم عصبی‌اش نکنم و هی لبخند بزنم، من در هیچ کاری کوتاهی نکردم و همه کارهایم را به موقع و سروقتش انجام دادم. هرکاری از دستم برمی‌آمد در حق این آقا کردم. تلاشم را کردم.

۳-۲) جرو بحث با شوهر، قهر و آشتی‌های مکرر، برملا کردن مشکلات

معمولاً زنان وقتی از وضعیت زندگی‌شان خسته می‌شوند اقدام به تغییر وضع موجود می‌کنند و وقتی احساس کنند تلاش‌هایشان نتیجه‌ای در پی ندارد شروع به جرو بحث با شوهر، شکوه و شکایت و درد دل نزد اطرافیان و قهرهای طولانی‌مدت می‌کنند که این امور موجب رنجش خاطر همسران از هم می‌شود و طلاق را در پی خواهد داشت.

آرام در این مورد می‌گوید:

قهرهای طولانی با هم داشتیم، به طوری که این روند برای اطرافیان هم عادی شده بود.

۲ سال بود با هم رابطه نداشتیم.

در خانه زیاد با هم بگومگو می‌کردیم.

یک سال آخر آنقدر فشار روی من بود که شروع کردم به افشاگری و به خانواده‌اش زنگ می‌زدم.

آنقدر تحت فشار عصبی بودم از اینکه می‌دیدم شوهرم دارد به من خیانت می‌کند و وقتی ازش دلیل این کارها را می‌پرسیدم می‌گفت مگر تو پلیسی؟

۳-۳ اقدام قانونی

فهیمة می‌گوید:

خسته شده بودم و می‌خواستم تنبیهش کنم.

زهره بیان می‌کند:

دیدم مردم و آبروریزی مد نظرم بود وگرنه همان سال‌های اول جدا می‌شدم و

وقتی واقعاً دیدم نمی‌توانم باهاش ادامه بدهم تصمیم گرفتم ازش جدا شوم.

آرام می‌گوید:

مهریه‌ام را بخشیدم و توافقی جدا شدیم.

فهیمة نیز این‌طور می‌گوید:

از خدا خواستم مهرش را از دلم ببرد، فردای همان روز رفتم دادگاه و درخواست

طلاق دادم.

زهره می‌گوید:

اول طلاق نمی‌داد، اما وقتی مهریه‌ام را بخشیدم راضی شد طلاقم بدهد، الان

نفقه به من نمی‌دهد.

وقتی زنان حس کنند به بن‌بست رسیده‌اند برای جدایی اقدام می‌کنند. در ابتدا، زنان به

قصد تلنگرزدن به همسرشان به این کار دست می‌زنند، اما وقتی می‌بینند این راه هم برای آنان

فایده ندارد اقدام به طلاق و رهاشدن می‌کنند. جدول ۵ مقولات مربوط به راهبردهای کنش و

کنش متقابل را نشان می‌دهد.

معناکاوی طلاق از نظر زنان مطلقه شهر سبزوار

جدول ۵. مقولات مربوط به راهبردهای کنش و کنش متقابل

ردیف	مقوله	نوع کنش
۱	تلاش زن برای حفظ زندگی	مدارا با شوهر
۲	قهر و آشتی‌های مکرر	سرگردانی
۳	تن ندادن به طلاق با وجود حمایت خانواده	مدارا با شوهر
۴	طلاق به قصد تنبیه شوهر	انتقام جویی
۵	عدم همخوابگی با هم	جدایی عاطفی
۶	جرو بحث	شروع اعتراض
۷	در جریان گذاشتن اطرافیان و خانواده همسر	مدارا با شوهر
۸	پیگیری‌های لازم و متعدد برای اصلاح شوهر	مدارا با شوهر
۹	بخشیدن حقوق مادی	کنش زن برای تسریع جدایی
۱۰	طلاق توافقی	کنش زن برای تسریع جدایی
۱۱	درخواست زن از شوهر برای ترک روابط فرازواجی	کنش زن برای اصلاح شوهر
۱۲	تحمل به خاطر حفظ آبرو	تحمل فشار اجتماعی
۱۳	ضرب و شتم زن از سوی شوهر	کنش شوهر در حین زندگی

۴) پیامدها

پیامدها به برون داده‌ها یا نتایج کنش/ واکنش اشاره می‌کنند؛ از این رو آنچه پیامدهای کنش/کنش متقابل در یک برهه زمانی است، ممکن است بخشی از شرایط در زمانی دیگر باشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

در اینجا پیامدهای طلاق برای زنان را در سه سطح خرد، میان فردی و کلان بررسی می‌کنیم.

۴-۱) پیامدهای سطح خرد

مقصود از پیامدهای سطح خرد، آن دسته از پیامدهای مثبت یا منفی است که زنان مطلقه در ارتباط با نزدیکان و اطرافیان تجربه می‌کنند؛ مانند احساس پیشرفت یا حس رهایی و پیامد منفی مانند پشیمانی. نمونه‌هایی از حس و تجربه پاسخگویی پس از طلاق به این شرح است: الان استقلال مالی دارم، از خودم اختیار دارم و احساس آرامش و آسایش می‌کنم. پس از طلاق توانستم پیشرفت کنم، درس بخوانم و پخته‌تر شوم. پشیمان نیستم، الان احساس می‌کنم رشد کردم و وسواسم هم از بین رفته. کاش در زندگی‌ام سماجت بیشتری می‌کردم. الان اعتماد به نفسم را از دست داده‌ام و امیدی به آینده ندارم.

۴-۲) پیامدهای سطح میانه

منظور از پیامدهای میانه، آن دسته از پیامدهایی است که در سطح روابط میان فردی تجربه می‌شود و می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ مانند نگرانی از آینده فرزندان که زهره در این باره می‌گوید: می‌ترسم دوباره ازدواج کنم، چون دو فرزند دختر دارم و زیاد شنیدم که ناپدری

با فرزند همسرش با هم ارتباط جنسی داشته‌اند. بچه‌هایم در درسشان موفق هستند و دیگر شاهد دعوای ما نیستند. پدر بچه‌هایم ازدواج کرده، ولی من ازدواج نمی‌کنم چون این‌طوری آنها وقتی بینند هر دو نفرمان ازدواج کرده‌ایم، ممکن است تأثیر منفی روی آنها بگذارد و احساس تنهایی کنند و آینده‌اشان خراب شود.

۳-۴) پیامدهای سطح کلان

این دسته پیامدهایی است که زنان در سطح کلان با آن مواجهند و غالباً تحت تأثیر گفتمان جنسیتی هستند. بسیاری از زنان اگر هم بتوانند بحث طلاق در سطح خرد را حل کنند و از نظر فردی موقعیت را بپذیرند و با آن کنار بیایند، در سطح وسیع‌تر و در جامعه همچنان با مشکلاتی از قبیل داغ ننگ دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تعدادی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گویند:

دید اجتماع در مجموع خوب شده، اما اگر تا دیروز با پسر خاله‌هام کوه می‌رفتم و خوش و بش می‌کردم الان دیگر نمی‌توانم. جامعه اذیت می‌کند. شاید اگر یک مرد بیاید طرفت نمی‌گوید به خاطر خودم می‌آید! اوایل طلاق روزی دو سه تا پیشنهاد صیغه داشتم. تا خواستگاری زنگ می‌زند و می‌فهمد طلاق گرفته‌ام پا پس می‌کشند.

حتی اگر دوباره ازدواج کنم باز هم طلاق تأثیرش را در ازدواج بعدی من می‌گذارد. برخی زنان از قبل به این مسایل آگاه بوده‌اند و می‌دانسته‌اند که با قرار گرفتن در موقعیت مطلقه با این مشکلات مواجه می‌شوند و برخی دیگر حتی به این مسائل فکر هم نکرده‌اند و اکنون از طلاق پشیمان هستند. تعدادی از این زنان برای رهایی از برجسب‌های جامعه حتی به فکر خودکشی هم افتاده‌اند. تعدادی از زنان نیز اگرچه با مشکلات طلاق دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اذعان کردند که اگر فضای جامعه اجازه می‌داد حاضر بودند با جنس مخالف خود به منزله همدم خود ارتباط برقرار کنند و هرگز حاضر به صیغه و ازدواج مجدد نمی‌شدند. جدول ۶ مقوله‌های مربوط به پیامدهای طلاق را نشان می‌دهد.

جدول ۶. مقوله‌های مربوط به پیامدها

ردیف	مقوله	سطح
۱	احساس خوشایند از جدایی	سطح خرد/مثبت
۲	داغ‌خوردن از سوی اجتماع	سطح کلان/منفی
۳	ارتقای رضایت از زندگی	سطح خرد/مثبت
۴	فرسایش سرمایه اجتماعی	سطح میانه/منفی
۵	سعی در پیشرفت اجتماعی	سطح میانه/مثبت
۶	از دست دادن فرصت ازدواج مجدد	سطح کلان/منفی
۷	نگرانی‌هایی در مورد فرزندان	سطح کلان/منفی
۸	نیاز به همدم	سطح خرد/منفی
۹	پیشنهادهایی برای صیغه	سطح کلان/منفی

با توجه به توضیحات ارائه شده در قسمت‌های قبل، مدل پارادایمی شرایط علی و میانجی منجر به طلاق و پیامدهای طلاق برای زنان، در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. مدل پارادایمی پدیده طلاق

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی عواملی پرداختیم که باعث گرایش زنان به طلاق می‌شود. با اینکه پژوهش کیفی به علت تعداد کم مشارکت کنندگان قابلیت تعمیم نتایج را ندارد، به دلیل نفوذ به لایه‌های زیرین آگاهی پاسخگویان، نتایج درخور توجهی ارائه می‌دهد.

طلاق برای زنان به معنای «رهایی و پیشرفت» است و هنگامی که مطمئن می‌شوند تلاششان هیچ فایده‌ای ندارد، برای رهایی از وضعیت موجود طلاق می‌گیرند.

بررسی شرایط علی و میانجی پدیده طلاق به زعم پاسخگویان نشان داد که طلاق پدیده‌ای تک‌علتی نیست. در این تحقیق به ده مفهوم «ضرب و شتم، تماشای فیلم‌های هرزه‌نگارانه، ارتباط با تلفن همراه، ارتباط با اینترنت، بی‌مسئولیتی شوهر، اعتیاد، عدم تشابه عقیدتی، خوردن مشروب، تفاوت‌های فرهنگی خانواده‌ها و آراستگی ظاهری زن و شوهر» و چهار مقوله «مشکل روانی مرد، استفاده نادرست از تکنولوژی، برآورده نشدن انتظارات زن از شوهر و تفاوت ارزشی همسران» به دست آمد و مقوله هسته‌ای استخراج شده «امتناع از تعامل» نامیده شد.

شش مقوله‌ای که عوامل میانجی را تشکیل می‌دادند عبارت‌اند از: «دخالت والدین، بی‌اعتمادی به زن، مشکلات اقتصادی، بی‌مسئولیتی شوهر و اختلالات روانی او».

در بین مقولات استخراج شده «ضرب و شتم» و «مشکلات اقتصادی» از مهم‌ترین عوامل گرایش زنان به طلاق است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان پس از ابراز «کلافگی از وضعیت زندگی» واکنش نشان می‌دهند و به امید تغییر اوضاع، راهبردهایی از قبیل درددل کردن با دیگران و برملا کردن مشکلات، جر و بحث با شوهر و قهر و آشتی‌های مکرر را در پیش می‌گیرند و هنگامی که

احساس کنند راه‌حل‌های آنها برای حفظ زندگی مؤثر نیست و ادامه زندگی برای آنان امکان ندارد، به آخرین راه از طریق قانون یعنی طلاق متوسل می‌شوند.

پیامدهای طلاق به سه سطح خرد، میانه و کلان تقسیم شد. پیامدهای طلاق در سطح خرد عبارت است از «احساس خوشایند درباره جدایی، نیاز به همدم و ارتقای رضایت از زندگی». در سطح میانه این پیامدها شامل «سعی در پیشرفت اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی» است و در سطح کلان «داغ‌خوردن از سوی اجتماع، ازدست‌دادن فرصت مجدد برای ازدواج، نگرانی درباره آینده فرزندان و پیشنهاد صیغه» است. بدین ترتیب، تجربه طلاق در سطوح خرد و میانه پیامدهایی مثبت و منفی برای زنان دارد، اما پیامدهای سطح کلان صرفاً منفی است.

همان‌طور که ذکر شد، فشاری که جامعه به زنان مطلقه وارد می‌کند، یکی از پیامدهایی است که در زمره بزرگ‌ترین مشکلات آنها جای دارد. از طرفی، نتایج این پژوهش نشان داد با وجود مشکلات فراوانی که طلاق برای زنان به‌دنبال دارد، پیامدهای مثبتی نیز برای آنان به همراه می‌آورد؛ هرچند هنوز هم تمامی زنان نیاز به حمایت را احساس می‌کنند و از تنهایی در زندگی به‌شدت ناراحت‌اند. تعداد زیادی از زنان با وجود مشکلات بسیاری که در زندگی قبلی داشته‌اند، همچنان به ازدواج مجدد تمایل دارند و این نشان‌دهنده پایبندی زنان به خانواده و ارزش دانستن خانواده است؛ حتی در صورتی که امکان ازدواج برایشان فراهم نباشد خود را وقف فرزندان می‌کنند و این‌گونه میل خود را به داشتن خانواده ارضا می‌کنند و بسیاری از آنها سعی در کنترل عواطف و احساسات خود دارند تا درگیر آسیب‌های اجتماعی نشوند و از کیان خانواده خود و منافع زنان دیگر محافظت کنند.

این مطالعه، به‌دنبال درک معنای طلاق در زنان مطلقه، پیشنهاد می‌کند در مطالعات بعدی انتظارات زنان مطلقه و تعامل آنان با جامعه نیز بررسی شود.

منابع

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰) *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران*، تهران: پژوهاک جامعه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- پورخان، اعظم (۱۳۹۰) «مطالعه تطبیقی - مقایسه‌ای طلاق زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مداخله در خانواده در شهر کرمان»، در مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- چاوشیان، حسن و تقی آزادارمکی (۱۳۸۱) «بدن به مثابه رسانه هویت»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴: ۷۵-۵۷.

- حسینی، رضا (۱۳۹۲) بازسازی معنایی تجربه طلاق. مورد مطالعه: زنان مطلقه شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، قوچان: دانشگاه قوچان.
- ریحانی، طیبیه و محمود عجم (۱۳۸۱) «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱»، *مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، سال دوم، شماره ۸: ۹۶-۱۰۰.
- زارعی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۲) «طلاق از دیدگاه زن مطلقه»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، دوره دوم، شماره ۳: ۲۳۴-۲۴۷.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ (۱۳۹۱) مرکز آمار ایران.
- سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۳ (۱۳۹۴) اداره کل ثبت احوال استان خراسان رضوی.
- سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۳ (۱۳۹۴) سازمان ثبت احوال کشور.
- شرافتی‌پور، جعفر (۱۳۸۴) بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیخی، خالد و همکاران (۱۳۹۱) «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن (مطالعه‌ای کیفی)»، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ویژه‌نامه خانواده و طلاق*، شماره ۶۶: ۶۴-۷۷.
- صادقی فسایی، سهیلا و مریم ایثاری (۱۳۹۱) «تحلیل جنسیتی زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی»، *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۲: ۵-۳۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران: نی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۲) *بررسی آسیب‌های اجتماعی روسپیگری*، تهران: یادآوران.
- محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۴) «مبانی پارادایمی روش مردم‌نگاری و نظریه زمینه‌ای در پژوهش کیفی: اصول نظری و شیوه‌های عملی»، *مجله پژوهش علوم انسانی*، سال ۶، شماره ۱۷-۱۸: ۷۵-۱۱۴.
- مشکی، مهدی و همکاران (۱۳۹۰) «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد»، *فصلنامه افق دانش*، دوره ۱۷، شماره ۱: ۳۵-۴۴.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۳) «تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان»، *مطالعات زنان*، دانشگاه الزهراء، دوره ۲، شماره ۴: ۵-۴۰.
- والچاک، ایوت و شیلا برنز (۱۳۶۶) *طلاق از دید فرزندان*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۱) *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: سمت.
- Kavas, Serap (2010) "Post-divorce Experience of Highly Educated and Professional Women", Dissertation of Doctor of Philosophy, Department of Sociology, July 2010.
- White, J. M. and Klein, D. M. (2002) *Family Theories*, California: Sage Publication.

